



## تبیین نقش اجتماعات انسانی سواحل دریای خزر در استقرار رژیم حقوقی

دکتر حسن پیردشتی<sup>۱\*</sup>  
دکتر محمدرضا حافظنیا<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۳

### چکیده:

دریای خزر یک دریای بسته است و مطابق کنوانسیون حقوق دریاها تعیین رژیم حقوقی آن باید با توافق کشورهای ساحلی صورت گیرد. تعیین رژیم حقوقی این پهنه آبی پس از فروپاشی شوروی مطرح شد اما طی چندین سالی که از آن تاریخ میگذرد هنوز بر سر چگونگی استقرار رژیم حقوقی آن توافقی بین کشورهای ساحلی صورت نگرفته است. دلایل این امر می‌تواند زیاد باشد. از جمله می‌توان به نقش تنوع اجتماعات انسانی در تعیین رژیم حقوقی این دریا اشاره کرد. استقرار رژیم حقوقی در دریای خزر به دلیل تنوع و پراکندگی اجتماعات انسانی و الگوی ترکیبی و فضایی ناهموزن جمعیتی متأثر از متغیرهایی نظیر گروههای نژادی و قومی، اختلافات تاریخی، دینی است. مردم این کشورها از گذشته تاکنون با دریا دارای انس و الفت هستند که علقه‌ها و پیوستگی‌های عاطفی را بین آنها ایجاد می‌کند و موجب دخالت آنها در مذاکرات دولتها می‌گردد و به نوعی خود را صاحب حق می‌دانند. این امر دولتمردان کشورهای ساحلی خزر را مجبور می‌کند برای بدست آوردن رضایت مردم و اجرای خواسته‌های آنها در مذاکرات محتاط باشند. تنوع اقوام و تعدد خواسته‌ها موجب تعلل در استقرار رژیم حقوقی می‌شود. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به سوابق معتبر به بررسی موضوع پرداخته است و نتیجه تحقیق بیانگر آن است که برای رسیدن به رژیم حقوقی پایدار در دریای خزر باید عوامل پیوند دهنده بین اقوام و ملل ساحلی اطراف خزر جهت بازپروری برخی فرهنگها و آداب و رسوم بین آنها تقویت گردد تا موجب همگرایی اقوام و ملت‌های حاشیه خزر گردد و به هم سویی دیدگاه‌های آنها در منافع مشترک بیانجامد. به نظر مهم‌ترین عامل همگرایی دریای خزر است که توافق در رژیم حقوقی آن به سود همه ملت‌های اطراف آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: دریای خزر، رژیم حقوقی، اجتماعات انسانی، کشورهای ساحلی

\* pirdashti614@yahoo.com

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، استاد مدعو دانشگاه مازندران

۲. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

## مقدمه

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سر برآوردن چهار جمهوری تازه در کنار دریای خزر از یک سو و بین‌المللی شدن اهمیت منابع غنی هیدروکربنی نهفته در این دریا - از عملیات حفاری گرفته تا چگونگی انتقال فرآورده به بازارهای مصرف - از سوی دیگر، این منطقه یکباره از جایگاه سیاسی، اقتصادی و امنیتی ویژه‌ای برخوردار شد. آنچه بیش از همه می‌تواند از شدت یک جانبه‌گرایی دولت‌های ساحلی بکاهد و روحیه همکاری و همگرایی در راستای تأمین بهینه منافع ملی را جایگزین آن کند، پی‌ریزی یک رژیم حقوقی کارآمد و مورد پذیرش کشورهای ساحلی برای بهره‌برداری عادلانه از منابع زیربستر، بستر و سطح آب، حقوق کشتیرانی و ماهیگیری و نیز جلوگیری از روند شتابان آلودگی محیط این دریاست (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۸).

چون این دریا وضعیتی ویژه دارد، چه از نظر اهمیت سیاسی و امنیتی و چه از نظر ظرفیت اقتصادی و نقش آن در توسعه اقتصادی کشورها و چه از دید تاریخی و جغرافیایی و حتی از لحاظ اکوسیستم، شباهتی با دیگر دریاچه‌های مشترک میان دو یا چند کشور ندارد و از این رو شاید عرف، رویه‌های قضایی و حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر دریاها، نتواند کمک چندانی به حل این مشکل کند و عمده‌ترین منبع حقوقی که می‌تواند شالوده‌گفت‌وگوهای دیپلماتیک قرار گیرد، قراردادهای پیمان‌ها و توافق‌های موجود است (دبیری، ۱۳۷۴: ۱۴۲).

مسئله رژیم حقوقی دریای خزر در واقع تنها یک موضوع حقوقی صرف نیست، بلکه شامل ابعاد درهم تنیده سیاسی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی (ژئواکونومیک) و امنیتی خاص خود است. آنچه که در ظاهر مجموعه‌ای از عوامل پیچیده نظیر الزامات تصمیم‌گیرندگان در هر یک از دولت‌ها (برای مثال، نقش افکار عمومی، مجالس قانونگذاری) افق زمانی کوتاه‌مدت در برابر بلندمدت، تصمیمات و خط مشی‌ها و تبعات آنها (برای مثال، مسئله مشروعیت) است که بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید. (رادمن: ۱۳۷۵: ۱۲۹) و (Ryabinin et al., 1996, 799) آنسی کولبرگ منطقه خزر را هارتلند تازه‌های می‌داند که در سده بیست و یکم، از دید ژئوپلیتیکی، آثار شگرفی در سیاست بین‌الملل خواهد گذاشت (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

در این بین یکی از عواملی که می‌تواند در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر تأثیر بسزایی داشته باشد؛ اجتماعات انسانی یا به عبارت دیگر نقش اقوام و ملل اطراف دریای خزر است که سالیان درازی است ساکن نواحی ساحلی آن هستند و قدمت سکونت این اقوام به مراتب بیشتر از عمر حکومت‌هایی است که حاکمیت کشورهای ساحلی را دارند. به‌ویژه جمهوری‌های جدید التأسیس که طول عمرشان به چند دهه هم نمی‌رسد. لذا وابستگی اقوام و ملت‌های منطقه به دریای خزر، سبب حساسیت آنها به استقرار هر نوع رژیم حقوقی می‌شود که برای دسترسی آزاد آنان به دریای

خزر محدودیت ایجاد کند یا سبب سلب مالکیت آنها از بخشهای بشود که به لحاظ تاریخی قسمتی از سرزمین آنها قلمداد می‌شد. خصوصاً اگر از نظر آنها ایجاد رژیم حقوقی به خواسته‌های آنها توجه نکند یا اینکه حاکمیت آنها را دچار خدشه کند. در این صورت است که آنها دولتمردان را تحت فشار می‌گذارند و حاکمان باید پاسخگوی خواسته‌های آنان خصوصاً در جریان مذاکرات باشند. بنابراین نمی‌توان نقش اقوام و ملل ساحلی خزر را در استقرار رژیم حقوقی در نظر گرفت. به همین منظور تحقیق حاضر که از نوع توصیفی تحلیلی است، با استفاده از روش کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به سوال اصلی تحقیق است که؛ آیا مسائل مربوط به اجتماعات انسانی و الگوی ترکیبی و فضایی ناهم وزن جمعیتی، مانند گروه‌های نژادی و قومی، اختلافات تاریخی و دینی دریای خزر در استقرار رژیم حقوقی آن موثر است؟

### تعریف اصطلاحات تحقیق

#### رژیم حقوقی

رژیم حقوقی مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی است که به لحاظ ساختار، مبانی، اهداف، مفاهیم و اصطلاحات منسجم بوده و هدف خاصی را دنبال می‌کند. البته مجموعه‌های حقوقی، که دارای عناصر ثابت یکسان است، یک سیستم حقوقی را تشکیل می‌دهد و سیستم‌هایی که در عناصر پایدار مشترکند، نظام‌های حقوقی را می‌سازند. دلیل عمده تعدد نظام‌های حقوقی، اختلاف در عناصر پایدار سیستم‌ها، و دلیل تعدد سیستم‌های حقوقی، تفاوت آن‌ها در عناصر ناپایدار مجموعه‌های حقوقی است (Andrew T. F. Lang, 2009: 2).

#### اجتماعات انسانی

اجتماع نامی است که بر زندگی گروهی که در یک منطقه جغرافیایی مشترک، سکونت نسبتاً با دوام دارند، اطلاق می‌گردد. اجتماع هنگامی وجود دارد که این سه ویژگی را داشته باشد.

- مجموعه خانوار که در یک فضای جغرافیایی محدود متمرکز شده باشند.
- میان ساکنان این اجتماع به مقدار زیاد کنش متقابل وجود داشته باشد و رویاروی باشند.
- افراد آن، خود را عضو این اجتماع احساس کنند و عقیده داشته باشند که متعلق به یکدیگر هستند و این عقیده تنها مبتنی بر خویشاوندی نسبی

نباشد (<http://www.aftabir.com>)

## دریای خزر

دریای خزر، جدول ۱، بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی جهان است (Igor S. Zonn, et, al, 2010: 111) این دریا از شرق به کوه‌های قفقاز و از غرب به استپ‌های وسیع آسیای مرکزی محدود می‌شود. (<http://www.britannica.com/>"com) دریای خزر که در جهت نصف‌النهار کشیده شده بین ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه و ۷ ثانیه تا ۴۷ درجه و ۷ دقیقه و ۲۲ ثانیه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه و ۳۲ ثانیه تا ۵۴ درجه و ۴۳ دقیقه و ۳۷ ثانیه طول شرقی قرار دارد. دریای خزر به همراه دریاچه آرال و دریا‌های مدیترانه، سیاه و خلیج فارس، باقیمانده دریای بزرگ تتیس می‌باشد. (کاسارف، ۱۳۹۰: ۱۶)

جدول ۱- مشخصات دریای خزر و سهم کشورها از گستردگی نوار ساحلی دریای خزر

مشخصه	اندازه
طول دریای خزر	۱۲۰۴ کیلومتر
پهنای دریای خزر	۵۵۰ تا ۲۲۰ کیلومتر
محیط دریای خزر	۶۵۰۰ کیلومتر
عمق دریای خزر	۱۸۰ تا ۱۱۰۰ متر
طول سواحل ایران	۶۵۷ کیلومتر
طول سواحل آذربایجان	۸۲۰ کیلومتر
طول سواحل ترکمنستان	۱۶۴۷ کیلومتر
طول سواحل روسیه	۱۴۷۶ کیلومتر
طول سواحل قزاقستان	۱۹۰۰ کیلومتر

منبع: (Stolberg, F, et al, 2006: 66)

## یافته‌های تحقیق

## ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای ساحلی دریای خزر

ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای حوزه دریای خزر در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲- ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای حوزه دریای خزر

کشور	توضیحات
ایران	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در سال ۱۳۹۲ دارای جمعیتی حدود ۷۷۱۸۹۶۶۹ نفر بود.</li> <li>• در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت است.</li> <li>• دارای مرز دریایی با ترکمنستان و آذربایجان است.</li> <li>• ایران از لحاظ آب و هوایی یکی از منحصربه‌فردترین کشورهاست. اختلاف دمای هوا در</li> </ul>

<p>زمستان میان گرم‌ترین و سردترین نقطه گاهی به بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. جلگه جنوب دریای خزر جزو مناطق حاصلخیز می‌باشد.</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• از شمال با روسیه و گرجستان، از شرق با دریای خزر، از غرب با ارمنستان و از جنوب با ایران هم مرز است.</li> <li>• پایتخت آن باکو و مساحت آن ۶۰۰۸۶ کیلومتر مربع است.</li> <li>• دارای مرز آبی با کشورهای ترکمنستان و قزاقستان است.</li> <li>• در سال ۲۰۱۲ دارای جمعیتی حدود ۹/۱۲۵ میلیون نفر بود.</li> <li>• صادرات نفت خام و تولیدات نفتی بیش از ۷۰ درصد صادرات آذربایجان را تشکیل می‌دهد و درآمدهای حاصل مربوط به نفت تقریباً ۵۰ درصد بودجه کشور را تأمین می‌کند.</li> </ul>	آذربایجان
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مرزهای جنوبی روسیه عبارتند از: دریای «سیاه»، گرجستان، آذربایجان، دریای خزر و قزاقستان؛ به طرف جنوب شرقی، در ماورای کوه‌های اورال، سیبری و ایالت‌های شرقی قزاقستان، جمهوری خلق چین، مغولستان و در منتهی‌الیه قسمت جنوب شرقی کره شمالی و در ساحل شرقی با دریای ژاپن، دریای خشک و اقیانوس آرام هم مرز است.</li> <li>• با ۱۷۰۷۵۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است.</li> <li>• در سال ۲۰۱۳ دارای جمعیتی حدود ۱۴۳ میلیون نفر بود.</li> <li>• آب و هوای روسیه به علت وسعت زیاد، در نقاط مختلف متفاوت بوده و در زمستان و تابستان دارای اختلاف دمای بسیار زیادی است. در بخشی از نواحی سیبری، دمای متوسط در زمستان، ۴۶ درجه سانتیگراد زیر صفر است.</li> <li>• در سال ۲۰۱۳ دارای جمعیتی حدود ۱۶/۶۰۰ میلیون نفر بود.</li> </ul>	روسیه
<ul style="list-style-type: none"> <li>• از شمال با روسیه، از شرق با چین، در جنوب شرقی با قرقیزستان، در جنوب با ازبکستان و در جنوب غربی با ترکمنستان همسایه است. سواحل شمال شرقی دریای خزر در خاک این کشور قرار دارد.</li> <li>• وسعت قزاقستان ۲۷۱۷۳۰۰ کیلومتر مربع بوده و به لحاظ جغرافیایی بخشی از آن در اروپا است.</li> <li>• بیشتر سرزمین آن کویر و استپ است.</li> </ul>	قزاقستان
<ul style="list-style-type: none"> <li>• از جنوب با افغانستان و ایران، از شمال با ازبکستان و قزاقستان و از باختر با دریای خزر همسایه و از طریق این دریا با کشورهای جمهوری آذربایجان و روسیه نیز همسایه است.</li> <li>• با مساحت ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر در بین عرض‌های جغرافیایی ۳۵ و ۴۳ درجه شمالی و ۵۲ و ۶۷ درجه شرقی قرار دارد.</li> <li>• در سال ۲۰۱۰ دارای جمعیتی حدود ۵/۱۷۷ میلیون نفر بود.</li> <li>• بیش از ۱۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی دارد.</li> <li>• طول خط ساحلی ترکمنستان در دریای خزر ۱۷۶۸ کیلومتر است.</li> </ul>	ترکمنستان

<p>• دارای آب و هوای بیابانی نیمه گرمسیری بوده و عمدتاً خشک می‌باشد. فصل زمستان هوا معتدل و خشک بوده و بیشترین بارندگی در ماههای ژانویه و می اتفاق می‌افتد که بیشترین بارندگی در امتداد کوههای کوه داغ صورت می‌پذیرد.</p>
---

منبع: استخراج نگارندگان از: (گیول، ک. و همکاران، ۱۹۷۰: ۱۳۰)

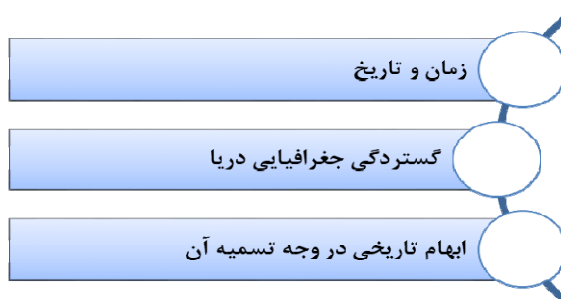
### جغرافیای تاریخی دریای خزر

دریای شمالی ایران در طول تاریخ خود دارای نام‌های گوناگونی بوده است، به طوری که در منابع مختلف تاریخی و جغرافیایی بیش از ۶۰ نام را می‌توان یافت. این نامهای جغرافیایی هر یک وجه تسمیه‌ی خاص خود را داشته و در برهه‌های زمانی خاص قوام و دوام یافته، گاهی بر کل دریا و گاهی بر قسمت خاصی از آن در بین اقوام و ملت‌های مختلف کاربرد داشته است. کمتر عارضه جغرافیایی در جهان یافت می‌شود که این تعداد نام به خود دیده باشد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴: ۱)

نام‌هایی نظیر دریای کاسپین، طبرستان، دیلم، دربند، شیروان، آبسکون، دنیز، باکو، خوارزم، کرت، بادکوبه، کادوس، مازندران و... از جمله این نامها هستند (همان، ۹). به طور کلی سه دسته از اسامی در نامهای ایرانی دریای خزر موجود است:

- نام‌هایی که از مکانهای جغرافیایی اطراف گرفته شده‌اند.
- نام‌هایی که از قومهای ساکن بر کناره‌ی آن گرفته شده‌اند.
- نام‌هایی که به ویژگی‌های خود دریا برمی‌گردند (همان، ۱۳).

در طول تاریخ سکونت اقوام گوناگون بر کرانه‌های دریای خزر، آن را به عاملی ژئوپلیتیک در مبادلات قومی و منطقه‌ای تبدیل کرده و حاکمیت بر آن منشأ قدرت منطقه‌ای و سیاسی - فرهنگی بوده است. بسیاری از موارد اثرگذار بر نام این دریا را می‌توان در شکل (۱) بیان نمود.



شکل ۱- موارد اثرگذار بر نام دریای خزر

منبع: استخراج نگارندگان از: (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۳)

هزاران سال قبل از ورود آریائیها به ایران، گروههای مختلفی از مردمان بومی از قبیل اقوام هیرکانیان، آماردها (مردها)، کاروها، آلبانها، طبریها، کاسپیها، ویتیهها و بالاخره خزریها قومی ترک نژاد که از بیابانهای آسیای مرکزی به حوزه پائین رود ولگانی شمال قفقاز و کرانه‌های باختری دریای خزر کوچ کرده بودند و پایتخت آنها در محل کنونی شهر بندری حاجی طرخان در شمال دریای خزر بوده است در اطراف خزر سکونت داشته‌اند (موسوی روحبخش، ۱۳۸۰: ۲۰).

جدول ۳- رویدادهای تاریخی خزر در ارتباط با اجتماعات انسانی

تاریخ وقایع	رویداد
در اوایل قرن ۵ قبل از میلاد مسیح	هرودت دریای خزر را به عنوان یک دریای محصور در خشکی رسمیت بخشید.
از قرن پنجم قبل از میلاد تا قرن بعد از هفتم	همزمان با امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی بود، ایران کم و بیش بر سراسر این پهنه آبی حاکمیت ویژه داشت و در واقع به عنوان دریا داخلی تلقی می‌گردید.
از قرن هفتم تا اواخر قرن یازدهم بعد از میلاد	این دریا در مظان تعاملات ویژه بین امپراتوری اسلامی وقت (اموی - عباسی) و خزرها قرار گرفت، ضمن آنکه سلسله‌های محلی ساحلی ایرانی در این تعاملات، بخصوص دادوستدهای تجاری نقش ویژه داشتند و درعین حال حافظ امنیت آبهای مجاور که به این دریا وارد می‌شدند، بودند. با ظهور مغول و گسترش قلمرو آن تا شرق اروپا دریای خزر در محدوده قلمرو این امپراتوری قرار گرفت. اما بعد با پیروزی‌های نظامی امیر تیمور، دریای خزر در قلمرو امپراتوری تیموری قرار گرفت.
در سال ۱۱۷۱ میلادی	پتر کبیر نماینده‌ای به دربار شاه سلطان حسین صفوی فرستاد تا درباره انعقاد قراردادهای تجاری با ایران مذاکره نماید و ضمناً اطلاعات کافی درباره‌ی شهرها و مناطق ساحلی دریای خزر تهیه کند.
در سال ۱۷۲۲ میلادی	تصرف شهرهای باکو، دربند و رشت مطابق عهدنامه ۱۷۲۲ سن پترزبورگ توسط روسیه و بازپسگیری این شهرها مطابق عهدنامه ۱۷۲۳ توسط ایران.
از ابتدای قرن نوزدهم	جنگهای طولانی ایران و روسیه از ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۸ و تحمیل قراردادهای گلستان ۱۸۱۳ و ترکمانچای ۱۸۲۸ به ایران حق انحصاری دریانوردی توسط ناوگان نظامی روسیه
در سال ۱۹۲۱	با انعقاد عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و کشور انقلابی روسیه به موجب ماده ۱۱ آن نه تنها محدودیت‌های پیش‌بینی شده در فصل هشتم عهدنامه ترکمانچای کانلمیکن اعلام گردید بلکه تصریح شد که ایران و روسیه در امر کشتیرانی (اعم از تجاری و نظامی)

در لوای پرچم‌های خود از حقوق برابر بهره‌مند خواهند شد.	
به موجب عهدنامه ۱۹۴۰، تجارت و کشتیرانی ایران و شوروی پیش‌بینی گردید که اولاً تا عرض ۱۰ مایل از آبهای مجاور به عنوان منطقه انحصاری صید به هر یک از دو کشور ساحلی تخصیص داده شود و ماورای آن کماکان به عنوان منطقه مشترک مورد استفاده دو کشور قرار گیرد، به علاوه در پروتکل الحاقی به این عهدنامه تصریح گردید که دریای خزر دریای مشترک ایران و شوروی است.	در سال ۱۹۴۰
پس از فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای جدیدالتأسیس در اطراف دریای خزر دیدگاه‌های جدیدی از سوی کشورهای حاشیه خزر درباره چگونگی تقسیم آن مطرح گردید و مانع از آن شد که آنها به یک توافق کلی در مورد بهره‌برداری از دریای خزر برسند.	در سال ۱۹۹۱

منبع: استخراج نگارندگان از؛ (هرمیداس باوند، ۱۳۹۰: ۸ و ۹ و ۱۱)

### اجتماعات انسانی سواحل خزر

اجتماعات انسانی اطراف خزر شامل اقوام متعدد و متنوع و ملت‌هایی هستند که آمارهای ارائه شده در جدول ذیل گویای آن است. کشورهای آسیای مرکزی و همچنین کشورهای حاشیه خزر بر محوریت قومیت و مردم شناسی بنا گردیده به گونه‌ای که نام اکثر کشورهای اورآسیا نیز از نام یکی از اقوام حاضر در این کشورها اقتباس گردید. همچنین کاملاً مشهود است که سیاست‌های ترکیب نژادی و یا کوچ دادن‌های اجباری در زمان شوروی سابق باعث نگریده است تا ماهیت قومی-مردمی این سرزمین‌ها به صورت اساسی دستخوش تغییر گردد. (Janusz.B, 2005:76)

در جدول ذیل قوم و نژاد قابل شناسایی که حضوری مستمر و فعال در جوامع کشورهای حاشیه خزر دارند ذکر گردیده است و می‌توان دریافت به سبب گذر زمان، قوم‌هایی با ریشه مشترک چگونه می‌توانند دستخوش تغییر و دگرگونی گردند و فرهنگ‌هایی متفاوت را بسازند. البته بر شمردن این اقوام دلیل بر دیدگاه نژادی داشتن به کشورهای حاشیه خزر نمی‌باشد. بلکه می‌توان از این ظرفیت‌های قومی متنوع به بهترین نحو ممکن برای غنی کردن فرهنگ‌های کشورهای حاشیه خزر بهره برد. و موجب همگرایی و همسویی آنها خصوصاً در زمینه منافع مشترک شد. در این راستا دریای خزر به عنوان مهمترین عامل پیونددهنده بین اقوام و ملت‌های حاشیه خزر قلمداد می‌گردد. هر چند امروز به جهت تأخیر در استقرار رژیم حقوقی آن نتوانسته است نقش آفرینی مناسبی را در همگرایی بین اجتماعات انسانی ایفا کند. اما به نظر می‌رسد که همگرایی بین اجتماعات انسانی می‌تواند به استقرار رژیم حقوقی کمک کند. (ملکی، ۱۳۸۹: ۸۲)



اشتراکات فرهنگی اقوام حاشی خزر همچون کلمات و زبان‌ها، شعرها، ادبیات، رقص و آوازها، ادیان و ساختار اجتماعی - سیاسی، سبک لباس پوشیدن‌ها و مراسمات ملی و محلی می‌تواند گنجینه‌ای از زیبایی‌ها باشد که اگر به آنها توجه شود در پیوند بیشتر بین آنها موثر است (<http://www.iras.ir>).

البته این امر زمانی محقق می‌گردد که جمعیت‌های حاشیه خزر درک نمایند که در عصر پسامدرن، می‌توان سعادت و خوشبختی را در تعامل با یکدیگر یافت. قومیت‌ها باید آگاه باشند که اکثریت آنها ریشه مشترکی داشته و با برجسته کردن نقاط مشترک به سوی یک همگرایی منطقه-ای پیش بروند که تکیه‌گاه اصلی آن خزر و منافع مشترک در آن باشد و این امر میسر نمی‌گردد مگر در سایه یک رژیم حقوقی پایدار. تا همه دولت‌ها و ملت‌های حاشیه خزر به طور عادلانه از موهبت‌های این بزرگترین دریاچه جهان استفاده کنند. (Golam Mustafa, 2013, 166)

جدول شماره ۴- اجتماعات انسانی اطراف خزر

آذربایجان	ترکمنستان	قزاقستان	روسیه	ایران	فارس
			۱۷۰۰۰۰	بیش از ۵ میلیون در سه استان حاشیه خزر و بیش از ۵۰ میلیون در کل کشور	
۱۱۹۳۰۰	۲۹۷۷۱۹	۳۷۹۳۷۶۴	بیش از ۱۱۵ میلیون در کل کشور		روس
	بیش از ۴ میلیون		۴۶۸۸۵	بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار (عمدتاً در استان گلستان)	ترکمن
بیش از ۹ میلیون	۳۳۳۶۵	۸۵۲۹۲	نزدیک به یک میلیون نفر	بیش از ۱۲ میلیون نفر	آذری
				بیش از ۴ میلیون نفر (عمدتاً در استان گیلان)	گیلک
		بیش از ۱۱ میلیون نفر	۶۴۷۷۳۲	بیش از ۱۰۰۰۰ نفر	قزاق
				بیش از ۴ میلیون نفر (عمدتاً در استان)	تبری

				مازندران)	
۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۸۳۲۵		بیش از ۳۰۰ هزار نفر در استان‌های شمالی ایران	کرمانج و کردها
بیش از ۹ میلیون نفر	بیش از ۴ میلیون نفر	بیش از ۱۲ میلیون نفر	بیش از ۱۲ میلیون نفر	بیش از ۱۵ میلیون نفر	ترک (آمار بدون تفکیک آذری‌ها، قزاق‌ها و سایر زیر شاخه‌های ترک است)
	۳۰۰۰۰			بیش از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار	بلوچ
۲۵۲۰۰			بیش از ۲۰۰۰۰	بیش از ۴۰۰ هزار نفر	تات
				بیش از ۱۰ هزار نفر	گالش
۱۱۲۰۰۰				نزدیک به ۱ میلیون نفر (عمدتاً در استان گیلان)	تالشی
۵۰۰۰		۳۴۰۰۰	بیش از ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر		چچن‌ها
			۱۸۳۳۷۲		قالموق‌ها
۱۹۱۰۰۰	۱۷۰۰۰	۵۳۰۰	۴۷۳۷۲۲		لرگی‌ها
۴۹۸۰۰		۱۵۶۷۵	نزدیک به ۱ میلیون نفر		آوارها
۲۵۹۰۰	۶۰۰۰۰	۲۶۱۰۰۰	بیش از ۵ میلیون نفر		تاتارها
۲۱۵۰۰	۱۰۰۰۰	۳۱۳۶۹۸	نزدیک به ۲ میلیون نفر		اوکراینی‌ها
۱۶۰۰۰			۲۰۰۰۰		ساخوری‌ها
۴۱۰۰			۴۳۰۰		اودیان
				بیش از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر	عرب
۹۹۰۰			۱۵۷۸۰۳	بیش از ۱۰۰	گرجی

				هزار نفر	
			۱۸۳۰۰۰	۸۷۵۶	یهودیان
۱۵۰۰۰۰	از ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر	از ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر	نزدیک به ۲ میلیون نفر	۱۲۰۰۰۰	ارمنی
			بیش از ۵۰۰ هزار نفر		قموق‌ها
			۱۶۱۰۰۰	بیش از ۱ میلیون	لک‌های داغستانی
۳۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۱۱۸۰۰۰		تایساری‌ها یا تبرسرانی
		۴۰۰	۱۰۳۰۰۰		نوغای‌ها
۱۷۰۰۰			۳۵۲۴۰		رتول‌ها
			۳۴۱۶۰		آغول‌ها
			۶۰۰۰۰۰		دارگین‌ها
		۶۷۰۰۰	۵۲۲۰۰۰		بلاروس‌ها
بیش از ۲۰ هزار نفر	بیش از ۱۰ هزار نفر	بیش از ۱۰ هزار نفر	نزدیک به ۱ میلیون نفر	بیش از ۱۰۰ هزار نفر	کولی‌ها (رومانی)
	۲۶۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰		ازبک
		۲۲۳۰۰۰		۴۰۰۰	اویغور
		۵۱۰۰۰	۲ میلیون نفر		آلمانی تبارها
	۵۰۰۰	۵۶۰۰۰	۴۴۶۶		قره‌قالپاق‌ها
	۳۰۰۰	۱۰۵۴۸۳	۲۷۶۴۱۱		کره‌ای‌ها
		۲۳۲۷۴	۱۰۳۴۲۲		قرقیزها
۲۳۴۰	۲۱۷۰	۲۰۹۰	۵۲۸۵۱۵		آسی‌ها یا ایرانی تبارها

منبع: <http://www.iras.ir/fa>

نرخ رشد جمعیت بین کشورهای خزر متفاوت است. در حالی که نرخ رشد جمعیت در طول سال‌های اخیر در ایران، آذربایجان و ترکمنستان مثبت بوده است، در روسیه و قزاقستان، با کاهش مواجه بود (Stolberg, F, et al, 2006:18). کشورهای ساحلی حدود ۲۴۷ میلیون نفر جمعیت دارند. کرانه‌های جنوبی دریای خزر به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود، زمستان ملایم همراه با بارندگی فراوان بوده و در نتیجه وفور رودخانه‌ها، دارای تجمع‌های شهرنشینی قابل توجهی است و منطقه‌ای است که تمدن‌های گذشته ادوار مختلف در نهشته‌های کوارترنر حاشیه خزر به‌ویژه در سواحل گیلان یافت شده است (موسوی روحبخش، ۱۳۸۰: ۱۹).

نسبت توزیع جمعیت ساحلی در کشورهای مختلف حوزه خزر در جدول ۳ نشان داده شده است.



تصویر شماره ۱ - اجتماعات انسانی سواحل خزر

منبع: (www.google.com/)

جدول ۵- آمار جمعیت کشورهای ساحلی خزر به تفکیک جمعیت ساحلی ۲۰۱۴

نسبت جمعیت ساحلی به جمعیت کشور	جمعیت ساحل خزر (میلیون نفر)	رتبه جهانی	جمعیت (۲۰۱۴)	نام کشور
۲/۶۷	۸/۳	۹	۱۴۲۲۷۴۴۷۰	روسیه
۸/۲۹	۷/۶	۱۷	۸۰۸۴۰۷۱۳	ایران
۱۰/۵۹	۹/۱	۶۴	۱۷۹۴۸۸۱۶	قزاقستان
۴۶/۲۴	۴/۴	۹۰	۹۴۱۵۸۸۷	آذربایجان
۱۶/۹۶	۹	۱۱۶	۷۰۳۵۱۷۱	ترکمنستان
۷۸	۷/۱۷	---	۲۴۶۵۷۷۳۷۳	مجموع

منبع: استخراج نگارندگان از؛ (www.worldometers.info)

تفاوت نرخ رشد جمعیت بین کشورهای خزر، حضور اقوام مختلف طی سالیان متمادی و بهره- برداری از دریا و نقش مهم آن در زندگی ساحل‌نشینان، پراکندگی اجتماعات انسانی و توزیع نامناسب جمعیت در سواحل و عوامل دافعه جمعیت در سواحل با شرایط نامناسب، از جمله مؤلفه- های تأثیرگذار در اجتماعات انسانی حوزه خزر می‌باشند که برخی توضیحات مربوط به آنها در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶- مؤلفه‌های تأثیرگذار در اجتماعات انسانی حوزه خزر

عوامل وابسته به اجتماعات انسانی	توضیحات
نرخ رشد جمعیت	نرخ رشد جمعیت در طول سالهای اخیر در ایران، آذربایجان و ترکمنستان مثبت بوده است، در روسیه و قزاقستان، با کاهش مواجه بود. در حال حاضر روند رشد جمعیتی نشان می‌دهد که جمعیت ساحلی بیشتر در سواحل جنوبی و شرقی دریای خزر متمرکز خواهد شد و در طی چرخشی، اکثریت جمعیت منطقه غیر روسی میشوند.
حضور اقوام مختلف در سواحل خزر	هزاران سال قبل از ورود آریائی‌ها به ایران، گروههای مختلفی از مردمان بومی از قبیل اقوام هیرکانیان، آماردها، کاروها، آلبانها، طبریها، کاسپیها، ویتیهها و بالاخره خزریها در اطراف دریای خزر ساکن بودند و تا قبل از قرن نوزدهم این دریا به عنوان مشاع مورد استفاده کشورها و جوامع ساحلی آن بود. در طی سالیان متمادی و بهره‌برداری از دریا و نقش مهم آن در زندگی ساحل نشینان، موجب وابستگی عاطفی و همچنین اقتصادی آنها به خزر شده است. فرهنگ و ملیت اقوام نیز در تعاملات آنها سهم بسیار دارد. دانشمندان زبان پارسی باستان را خویشاوند زبان اسلاوهای بالت (سقلابیان بالت) می‌دانند و این امر موجب این فرضیه شده که اجداد ایرانیان در جوار اسلاوها (سقلابیان) میزیسته‌اند و آست‌های امروزی را واسطه بین قوم پارس و اسلاوها (سقلابیان) می‌دانند.
پراکنندگی اجتماعات انسانی و توزیع نامناسب جمعیت در سواحل	عدم وجود شرایط جغرافیایی مناسب موجب شد تا سواحل شرقی یعنی سواحل کشور ترکمنستان و بخشی از سواحل قزاقستان دارای تراکم نسبتاً پایین جمعیتی باشند، در حالیکه سواحل جنوبی و جنوب غربی و شمال غربی یعنی تمامی سواحل کشور ایران، بخشهای عمده‌ای از کشور آذربایجان و بخشی از سواحل روسیه از تراکم نسبتاً بالایی برخوردارند.

به‌طور کلی می‌توان مشترکات عمومی کشورهای منطقه خزر را از نظر تنوع و پراکنندگی اجتماعات انسانی والگوهای جمعیتی در جدول ۷ خلاصه نمود.

جدول ۷ - مشترکات عمومی کشورهای منطقه خزر را از نظر تنوع و پراکندگی اجتماعات انسانی و الگوهای

جمعیتی

نام کشورها	مشترکات عمومی کشورهای منطقه خزر
روسیه - ایران	صاحبان اولیه دریای خزر، عاملان تعیین کننده در خزر، مراودات فرهنگی
روسیه - قزاقستان	استفاده از زبان روسی، اشتراکات فرهنگی (نفوذ هفتاد ساله نظام سوسیالیستی)
روسیه - ترکمنستان	استفاده از زبان روسی، اشتراکات فرهنگی (نفوذ هفتاد ساله نظام سوسیالیستی)
روسیه - آذربایجان	استفاده از زبان روسی، اشتراکات فرهنگی (نفوذ هفتاد ساله نظام سوسیالیستی)
ایران - ترکمنستان	اکثریت جمعیت مسلمان، نرخ رو به رشد جمعیت، وجود مشترکات فرهنگی (زبان فارسی و شاعران)
ایران - آذربایجان	اکثریت جمعیت مسلمان و شیعه، نرخ رو به رشد جمعیت، تا حدودی زبان مشترک آذری، وجود مشترکات فرهنگی (زبان فارسی و شاعران)
ایران - قزاقستان	اکثریت جمعیت مسلمان، وجود مشترکات فرهنگی (زبان فارسی و شاعران)، حضور اقوام ایرانی و زبان فارسی
آذربایجان - ترکمنستان	اکثریت جمعیت مسلمان، وابستگی تاریخی و فرهنگی به ایران و روسیه، نرخ رو به رشد جمعیت، ریشه زبانی و نژادی مشترک، تاریخ مشترک (نفوذ هفتاد ساله نظام سوسیالیستی و استقلال)
آذربایجان - قزاقستان	اکثریت جمعیت مسلمان، وابستگی تاریخی و فرهنگی به ایران و روسیه، تاریخ مشترک (نفوذ هفتاد ساله نظام سوسیالیستی و استقلال)
ترکمنستان - قزاقستان	اکثریت جمعیت مسلمان و سنی، وابستگی تاریخی و فرهنگی به ایران و روسیه، تاریخ مشترک (نفوذ هفتاد ساله نظام سوسیالیستی و استقلال)

مذاکرات کشورهای ساحلی درباره تحدید حدود دریای خزر

مذاکرات درباره تحدید حدود دریای خزر و استقرار رژیم حقوقی، بعد از فروپاشی شوروی، به مدت یک دهه، در سطوح کارشناسی، شامل مدیران کل و معاونین وزیر انجام شد. سپس به منظور شتاب بخشیدن به روند مذاکرات و ثمربخشی آن، روسای جمهور پنج کشور حاشیه دریای خزر تصمیم گرفتند تا همزمان نشست سران را برگزار کنند. اولین اجلاس سران سال ۱۳۸۲ در عشق‌آباد ترکمنستان برگزار شد. از آنجا که در عشق‌آباد مذاکره برای امضای بیانیه ناکام ماند و هیچ سندی امضا نشد؛ از سوی رسانه‌ها، به اجلاس شکست خورده معروف شد. اجلاس دوم، سال ۱۳۸۶ در

تهران برگزار گردید، و «اعلامیه تهران» به عنوان اولین سند سیاسی بین ۵ کشور امضاء شد. اجلاس سوم سران سال ۱۳۸۹ در باکو برگزار شد و دو سند به امضا رسید. چهارمین اجلاس سران در سال ۱۳۹۳، در آستراخان برگزار گردید. در این اجلاس، چهار سند ۵ جانبه امضا شد. جدول ۸ مهم‌ترین اجلاس برگزار شده در سطح سران را برای تحدید حدود دریای خزر نشان می‌دهد.

جدول ۸ - مهم‌ترین اجلاس برگزار شده برای تحدید حدود دریای خزر در سطح سران

سال و مکان جلسه	موضوع مذاکرات	کشورهای با مواضع مخالف	توافقات جانبی
۲۰۰۳ (عشق‌آباد)	تقسیم بستر و زیر بستر دریای خزر	آذربایجان و ترکمنستان	همکاری در زمینه محیط زیست و شیلات
۲۰۰۷ (تهران)	توافق در برابری حقوق و موازین پذیرفته‌شده بین‌المللی در تعیین رژیم حقوقی	ایران موافق اصل انصاف در تعیین رژیم حقوقی	تنظیم موافقتنامه امنیتی بین پنج همسایه ساحلی خزر و ممنوعیت حضور نظامی کشورهای ثالث
۲۰۱۰ (باکو)	توافق برای تعیین حدود قلمروهای دریایی و حق حاکمیت پنج کشور عضو	ایران، آذربایجان، ترکمنستان	همکاریهای امنیتی و ممنوعیت صید ماهیان خاویاری برای مدت پنج سال
۲۰۱۴ (آستراخان)	۱- منطقه تحت حاکمیت ملی به عرض ۱۵ مایل دریایی ۲- منطقه انحصاری ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی از حد خارجی منطقه حاکمیت ملی ۳- پهنه آبی مشترک (منطقه مشترک)	ایران، آذربایجان، ترکمنستان، مشکل تعیین خط مبدأ	ایران، آذربایجان، ترکمنستان مشکل تعیین خط مبدأ

### تجزیه و تحلیل

حضور اقوام مختلف در سواحل خزر در طی سالیان متمادی و بهره‌برداری از دریا و نقش مهم آن در زندگی ساحل نشینان، موجب وابستگی عاطفی و همچنین اقتصادی آنها به خزر شده است. شکل

گیری الگوهای اقتصادی در درازمدت الگوهای عاطفی و انس و الفت به دریا را موجب شده است. نبود شرایط جغرافیایی مناسب در همه سواحل دریای خزر، سبب پراکندگی اجتماعات انسانی و توزیع نامناسب جمعیت در سواحل آن شد. به طوری که سواحل جنوبی و جنوب غربی و شمال غربی یعنی تمامی سواحل کشور ایران، بخش‌های عمده‌ای از کشور آذربایجان و بخشی از سواحل روسیه از تراکم نسبتاً بالایی برخوردارند و سواحل شرقی یعنی سواحل کشور ترکمنستان و بخشی از سواحل قزاقستان دارای تراکم نسبتاً پایین جمعیتی هستند. بیابان‌های وسیع و آب و هوای گرم و خشک، عدم وجود رودهای دائمی، خاک‌های نامناسب برای کشاورزی، سواحل نامناسب با بریدگی‌های ساحلی زیاد، از عوامل دافعه جمعیت در سواحل این کشورها بوده است. برعکس عواملی چون آب و هوای مناسب، رودهای دائمی، زمینهای کشاورزی فراوان سواحل مناسب شرایط را برای جذب جمعیت به سواحل کشورهای ساحلی دیگر به‌ویژه ایران فراهم کرده است و موجب هجوم اقوام ایرانی از سرزمین‌های مختلف به سواحل خزر شده است و در درازای تاریخ سکونتشان در کنار خزر انس و الفتی به آن پیدا کردند و خود را صاحب آن دانسته و برای اثبات تملیک خود، نام قوم-شان را بر آن نهادند. شاید به همین دلیل است که از میان نامهای متعددی که از خزر در دست است، اسامی اقوام ایرانی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. حتی امروزه نیز بیشتر جمعیت سواحل خزر را ایرانیان تشکیل می‌دهند. هرچند به نسبت کل جمعیت کشور، آذربایجان با استقرار حدود ۷۰ درصد از مجموع جمعیت کشور در سواحل خزر رتبه اول را دارد اما ایران با بیش از ۶ میلیون جمعیت رتبه اول را از نظر تعداد جمعیت ساحلی خزر دارد.

همچنین تعدد اقوام و تنوع آنها در سواحل خزر علاوه برداشتن اختلافات زیاد؛ زبانی، فرهنگی، دینی، تاریخی دارای اشتراکاتی نیز هستند که تجمع آنها در اطراف دریای خزر و ارتباط آنها در طول تاریخ سبب درهم آمیختگی برخی فرهنگها و آداب و رسوم در بین مردم این کشورها شده است.

به این ترتیب کشورهای قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان از اشتراکات نژادی زبانی بیشتری نسبت به کشورهای ایران و روسیه برخوردارند و کشور روسیه به جهت حاکمیت ۷۰ ساله در این کشورها از یک الگوی القایی جمعیتی، نژادی و زبانی در کشورهای مذکور برخوردار است و کشور ایران کمترین اشتراکات نژادی، زبانی را با کشورهای ساحلی دیگر دارد. هر چند وجود اقوام ایرانی در کشور قزاقستان و وجود ریشه‌های فرهنگی ایرانی در این کشور، سبب نفوذ فرهنگی و تاریخی ایران در آن شده است، ولی تبادلات فرهنگی بین دو ملت در سطح بسیار پایینی است. وجود دنباله‌های قومی کشورهای آذربایجان و ترکمنستان در ایران، سبب ارتباط عمیق تاریخی و فرهنگی بین کشورهای مزبور می‌شود.



علاوه بر این سه کشور تازه تاسیس، دچار مشکل هویت و ساماندهی بنیاد ملت و علت بقا برای خود می‌باشند و بر عناصر فرهنگ بومی و خودی و واگرایی از دو قدرت روسیه و ایران تأکید دارند. ضمن اینکه در کشیدن مرزهای دقیق به ویژه نسبت به فرهنگ ایرانی دچار تردید و مشکل می‌باشند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در منطقه خزر پنج ساخت جغرافیایی با جمعیت، اقوام، ادیان و دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد که به صورت یک تفاوت بنیادین در منطقه تجلی پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد تنوع اقوام و تعدد خواسته‌ها موجب تعطل در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر شود.

امروزه بیشتر جمعیت سواحل خزر را اقوام ایرانی تشکیل می‌دهند. هرچند به نسبت کل جمعیت کشور، آذربایجان با استقرار حدود ۷۰ درصد از مجموع جمعیت کشور در سواحل خزر رتبه اول را دارد، اما ایران با بیش از ۶ میلیون جمعیت رتبه اول را از نظر تعداد جمعیت ساحلی خزر دارد.

دریای خزر از یک سو به جهت وسعت زیاد موجب شکاف بین اقوام و نژادها و ایجاد فرهنگ‌های مختلف شده است. و از سوی دیگر به جهت نقش مهم ارتباطی، عامل پیوند دهنده بین اقوام و سبب درهم آمیختگی برخی فرهنگها و آداب و رسوم بین آنها شده است. جدول ۹ جزئیات مربوط به اجتماعات انسانی و نقش آنها در تبیین رژیم حقوقی خزر را ارائه می‌کند.

جدول ۹- ویژگی اجتماعات انسانی و نقش آنها در تبیین رژیم حقوقی خزر

نام کشور	اقوام و نژادهای رایج	زبان‌های رایج	دین	مشخصات ملت	دیدگاه ملت نسبت به دریای خزر	نقش در استقرار رژیم حقوقی
روسیه	(مجموع ۱۶۰ گروه)	زبان روسی	مسیحی	قومیت	خود را صاحبان اصلی دریای خزر دانسته و تقسیم دریای خزر را نتیجه فروپاشی شوروی ارزیابی کرده و موجب سرخوردگی غرور ملی می‌دانند.	منفی
		۹۶/۳٪، دلگانگ	(ارتدکس) - ۲۰٪	روس، زبان		
		۵/۳٪، آلمانی	۱۵٪،	روسی و		
		۱/۵٪، چینی	مسلمان ۱۰-	دین		
		۱٪، تاتار ۳٪، و	۱۵٪ (عمدتا	مسیحیت		
		دیگر ۱۰/۳٪	سنی)،	ارتدوکس		
		چوواش ۱٪،	مسیحی دیگر			
		باشقیر ۱/۱٪،	۲٪ مسیحی و			
		چینی ۱٪،	بقیه بی‌دین			
		ارمنی ۱٪ و آوارهای قفقازی،				

		بلا روسی‌ها، آسی‌ها، آذربایجانی‌ها و قزاق‌ها (مجموعاً ٪۱۰/۲ (٪۳/۹ نامشخص	
ایران	٪۶۱ پارس،	٪۵۳ پارسی،	٪۸۹ شیعه،
	٪۱۶ آذری،	٪۱۸ ترکی،	٪۹ سنی و ٪۲
	٪۱۰ کرد،	٪۱۰ کردی،	مسیحی،
	٪۲ بلوچ،	گیلکی و	زرتشتی،
	٪۲ عرب،	مازندرانی،	یهودی، بهائی
	ترکمن و ٪۱ از	لری، ٪۲ بلوچی،	و سایر ادیان
	دیگر اقوام	٪۲ عربی و ٪۲	ندرت سنی
		زبان‌های دیگر	
قزاقستان	قزاق ٪۶۳/۱،	قزاقی ٪۶۴/۴،	مسلمان
	روسی ٪۲۳/۷،	زبان محاوره‌ای	٪۷۰/۲،
	ازبک ٪۲/۹،	روسی (٪۹۵)	مسیحی
	اوکراین ٪۲/۱،	اوکراینی، تاتاری،	قزاقی ٪۲۶/۲
	اویغور ٪۱/۴،	قرقیزی،	(ارتدوکس)، (٪۶۳)
	تاتار ٪۱/۳،	اویغوری، ازبکی،	بی‌دین ٪۰/۵،
	آلمانی ٪۱/۱،	ترکی	سایر ٪۰/۳،
	دیگر ٪۴/۴	آذربایجانی،	ومذهب
		باشقیری، فارسی	اهل سنت و
		تاجیکی،	زبان با
	آلمانی، کره‌ای،	اکثریت	
	ترکمنی، ارمنی	قزاقی	
	مغولی	روسی	
آذربایجان	آذربایجانی (٪۸۹)	ترکی	٪۹۳/۴ قومیت
	لژی‌ها ٪۲/۲،	آذربایجانی (٪۸۹)	آذری
	روسها ٪۱/۳۵،	روسی، ارمنی،	عاطفی به دریا و نشانه
	ارمنی‌ها ٪۱/۳۵،	کردی، تالشی،	مسیحی
	تالش‌ها ٪۱/۲۶،	یهودی	ارتدکس
			مذهب شیعه و ناسیونالیسم افراطی

منفی

دریای سنتی و آرمانی  
مورد تملک خود می  
دانند و مدعی ۵۰ در  
صد از دریا هستند

فرهنگ  
ایرانی، زبان  
فارسی،  
مذهب  
شیعه و به  
ندرت سنی

٪۸۹ شیعه،  
٪۹ سنی و ٪۲  
مسیحی،  
زرتشتی،  
یهودی، بهائی  
و سایر ادیان

٪۵۳ پارسی،  
٪۱۸ ترکی،  
٪۱۰ کردی،  
گیلکی و  
مازندرانی،  
لری، ٪۲ بلوچی،  
٪۲ عربی و ٪۲

٪۶۱ پارس،  
٪۱۶ آذری،  
٪۱۰ کرد،  
٪۲ بلوچ،  
٪۲ عرب،  
ترکمن و ٪۱ از  
دیگر اقوام

ایران

منفی

دریای سنتی خود  
دانسته و نسبت به آن  
وابستگی عاطفی داشته و  
آن را موجب غرور ملی  
می‌دانند

قومیت  
تقریباً  
ترکیبی  
قزاقی  
(ارتدوکس)،  
بی‌دین ٪۰/۵،  
سایر ٪۰/۳،  
ومذهب  
اهل سنت و  
زبان با  
اکثریت  
قزاقی  
روسی

مسلمان  
٪۷۰/۲،  
مسیحی  
٪۲۶/۲  
(ارتدوکس)،  
بی‌دین ٪۰/۵،  
سایر ٪۰/۳،  
آذربایجانی،  
باشقیری، فارسی  
تاجیکی،  
آلمانی، کره‌ای،  
ترکمنی، ارمنی  
مغولی

قزاقی ٪۶۴/۴،  
زبان محاوره‌ای  
روسی (٪۹۵)  
اوکراینی، تاتاری،  
قرقیزی،  
اویغوری، ازبکی،  
ترکی  
آذربایجانی،  
باشقیری، فارسی  
تاجیکی،  
آلمانی، کره‌ای،  
ترکمنی، ارمنی  
مغولی

قزاق ٪۶۳/۱،  
روسی ٪۲۳/۷،  
ازبک ٪۲/۹،  
اوکراین ٪۲/۱،  
اویغور ٪۱/۴،  
تاتار ٪۱/۳،  
آلمانی ٪۱/۱،  
دیگر ٪۴/۴

قزاقستان

منفی

احساسات شدید  
ملی‌گرایی و وابستگی  
عاطفی به دریا و نشانه  
غرور ملی

قومیت  
آذری  
(٪۸۹)،  
زبان ترکی،  
مذهب  
شیعه و  
ناسیونالیسم  
افراطی

٪۹۳/۴  
مسلمان  
(٪۷۰) ٪۴/۸،  
مسیحی  
ارتدکس

ترکی  
آذربایجانی (٪۸۹)  
روسی، ارمنی،  
کردی، تالشی،  
یهودی

آذربایجانی (٪۸۹)  
لژی‌ها ٪۲/۲،  
روسها ٪۱/۳۵،  
ارمنی‌ها ٪۱/۳۵،  
تالش‌ها ٪۱/۲۶

آذربایجان

منفی	احساسات ملی‌گرایانه	قومیت	۸۹٪ مسلمان	ترکمنی ۷۲٪،	۸۵٪ ترکمن،
	نسبت به دریا و نشانه	ترکمن	(حنفی) و ۹٪	روسی ۱۲٪،	۵٪ ازبک،
	غرور ملی	(۸۵٪)،	مسیحی	ازبک ۹٪ و دیگر	روسی سایر
		زبان	(ارتدوکس)	۷٪	اقوام (۶٪)
		ترکمنی،			ترکمنستان
	مذهب اهل				قزاقها، تاتارها،
	سنت و				اوکراینی‌ها،
	احساسات				ارمنی‌ها،
	ملی‌گرایانه				آذربایجانی‌ها و
					بلوچ‌ها)

هر چند پراکندگی قومیت‌های در اطراف خزر بسیار گسترده می‌باشد و بخصوص در جمهوری-های تازه استقلال یافته، این پراکندگی بیشتر به چشم می‌خورد. اما خزر در طول تاریخ عامل اصلی پیوند دهنده اقوام و ملیت‌های سواحل اطراف بود و موجب تعاملات و ارتباطات ما بین آنها می‌شد. این فرآیند علقه‌هایی را در یک سیر تاریخی چند صد ساله ما بین جمعیت اطراف خزر فراهم کرد و ظرفیت‌هایی را در عمق لایه‌های جوامع اطراف ایجاد نمود که امروزه می‌توان از آن برای پیوند دادن بین آنها استفاده نمود. بی‌تردید یکی از عوامل مهمی که می‌تواند موجب شکل-گیری رژیم حقوقی دریای خزر شود باروری این پتانسیل‌های نهفته در بطن جوامع اطراف خزر هست. این قوم‌ها و نژادها می‌توانند عامل پیوندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را فراهم نمایند و علاوه بر آن می‌توانند موجبات تقویت وحدت و همبستگی میان کشورهای ساحلی باشند. البته این امر زمانی محقق می‌گردد که جمعیت‌های حاشیه خزر درک نمایند که در عصر پسامدرن، سعادت و خوشبختی جوامع در تعامل و تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز محقق می‌گردد. بیشتر جمعیت‌های حاشیه خزر از ریشه‌های نژادی مشترکی برخوردار هستند و اکثریت این جمعیت مسلمان هستند. به‌علاوه اشتراکات تاریخی در حوادثی نظیر جنگ‌ها و صلح‌ها عامل مناسبی برای چنین پیوندهایی است. برای حفظ این پیوندها و تعاملات باید جمعیت‌های ساحلی بتوانند به راحتی با هم ارتباط داشته باشند و از هم دور نباشند. یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در جدایی بین آنها، عدم تعیین رژیم حقوقی خزر است. برقراری رژیم حقوقی در این دریا یعنی تسهیل در ارتباط بین جمعیت‌های ساحلی منطقه و عدم برقراری رژیم حقوقی خزر یعنی مانع ارتباط این پیوندها که این امر می‌تواند به صلح و ثبات در خزر آسیب بزند. برای برقراری امنیت و صلح و ثبات در دریای خزر باید این تعاملات و ارتباطات در بین جمعیت‌های ساحلی افزایش یابد. و برای افزایش ارتباطات باید ثبات سیاسی و امنیت کشورها مورد تهدید واقع نشود. بنابراین برای حفظ ثبات و

امنیت کشورهای ساحلی تعیین رژیم حقوقی خزر ضروری است. براین اساس جمعیت‌های ساحلی می‌توانند برای برقراری پیوندها و احیای دوباره آن، به دولت‌های ساحلی خود بقبولانند که در تعیین رژیم حقوقی پایدار در خزر با هم به توافق برسند و در این راستا تحت تاثیر و فشار قدرتهای فرامنطقه‌ای و جهانی قرار نگیرند و در راستای منافع ملی خود عمل کنند. چرا که تضمین منافع ملی این کشورها در گرو تعیین رژیم حقوق است. بی‌شک در خواست منطقی جوامع اطراف خزر از دولتمردان خود و همچنین در نظر گرفتن خواست‌های آن‌ها توسط دولتمردان می‌تواند در تسهیل و تعیین رژیم حقوقی خزر موثر باشد.

### نتیجه‌گیری

در منطقه خزر، پنج کشور ساحلی با جمعیت، اقوام، نژاد، ادیانی با دیدگاه‌های متفاوت وجود دارند که دارای تفاوت‌های ساختاری هستند. دیدگاه‌های متفاوت مردم کشورها بیشتر تحت‌الشعاع مرزهای جغرافیایی قرار دارد که سالیان پیش آنها را از هم جدا کرده است. آنچه که امروز می‌تواند موجب پیوند بین آنها شود دریای خزر است. ملت‌های منطقه نسبت به دریای خزر علقه‌های خاصی دارند. مردم روسیه و ایران خود را صاحبان اصلی و سنتی دریای خزر دانسته و تقسیم آن را موجب سرخوردگی ملی می‌دانند. ملت قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان به آن وابستگی عاطفی و احساسات شدید ملی گرایانه دارند. مضافاً اینکه کشورهای جدیدالاستقلال منطقه دچار بحران هویت هستند و بدنبال فرآیند ملت‌سازی بوده و علت بقا خود را تکیه بر عناصر فرهنگ بومی و خودی و جداانگاری از دو قدرت روسیه و ایران می‌دانند. بنابراین در نزد دولتمردان این کشورها اجابت خواسته‌های ملت، از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. در مجموع می‌توان گفت دیدگاه مردم کشورهای منطقه نسبت به دریای خزر از بار عاطفی و احساسی برخوردار است. در نتیجه آنها هرگونه کوتاهی را در فرآیند تعیین رژیم حقوقی که منجر به از دست دادن بخشی از دریای متعلق به آنها شود را گناهی نابخشودنی قلمداد می‌کنند. دولتمردان نیز برای جلب رضایت آنها سعی در گمانه‌زنی و چانه‌زنی بیشتر برای رسیدن به حقوقی هستند که موجب خوشنودی ملت را فراهم کند و به نظر می‌رسد تنوع ملت و تعدد خواسته‌ها موجب تعلل در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر شود. بنابراین همانطور که گفته شد؛ برای رسیدن به رژیم حقوقی پایدار در دریای خزر باید عوامل پیوند دهنده بین اقوام و ملل ساحلی اطراف جهت بازپروری برخی فرهنگها و آداب و رسوم بین آنها تقویت گردد و تا به همگرایی بیانجامد.

## منابع

- احمدی پور، زهرا؛ رومینا، ابراهیم؛ محرمی، نعمت‌الله و لطفی، محمدصادق (۱۳۸۴)، پهنه آبی شمال ایران: خزر یا کاسپین، فصلنامه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، ۱: ۳۹-۲۱.
- دبیری، محمدرضا (۱۳۷۴)، رژیم حقوقی دریای خزر، عاملی برای توازن منافع و توازن امنیت، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره دوم، ۱۰: ۱۴۸-۱۴۱.
- رادمن، آر باندی (۱۳۷۵)، جنبه‌های حقوقی حفاظت از محیط زیست دریای خزر، ترجمه محمدرضا ملکی، مجله: مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۴: ۱۴۴-۱۲۷.
- کاسارف، ایوان (۱۳۹۰)، آب و هواشناسی دریای خزر، ترجمه علی شمسی، ساری: مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر.
- گیول ک و همکاران (۱۹۷۰)، کتابشناسی و چکیده آثار دریای خزر (کتاب اول تا سال ۱۹۷۰)، آکادمی علوم آذربایجان شوروی، ترجمه علی شمسی فولادی، منتشر نشده، وزارت نیرو، ساری: مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر
- ملکی، عباس (۱۳۸۹)، امنیت انرژی، ایران و مسائل دریای خزر، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۷۰: ۷۸-۱۰۲.
- موسوی روحبخش، سیدمحمد (۱۳۸۴)، برآورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۸: ۶۵-۵۱.
- میرفخرایی، سید حسن (۱۳۸۳)، رژیم حقوقی دریای خزر: از واگرایی تا همگرایی، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۰(۶): ۲۰۱-۱۷۹.
- هرمیداس باوند، داوود (۱۳۸۰)، رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست محیطی و امنیتی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۷: ۳۸-۳۶.
- Andrew T. F. Lang (2009), Legal Regimes and Regimes of Knowledge: Governing Global Services Trade, LSE Law, Society and Economy, Working Papers, London.
- Golam Mustafa (2013), The concept of 'Eurasia': Kazakhstan's Eurasian policy and its implications, Journal of Eurasian Studies 4 ,pp.160-170
- Igor S. Zonn · Andrey G. Kostianoy · Aleksey N. Kosarev · Michael H. Glantz (2010), The Caspian Sea Encyclopedia, Springer-Verlag Berlin Heidelberg. p p 82-179
- Janusz.B, (2005), The Caspian Sea Legal Status and Regime Problems. RUSSIA AND Eurasia Programme Rep BP 05/02 Stiftung Wissenschaft und Politik, Berlin, AUGUST.p 76
- Ryabinin, Vladimir E., Oleg I. Zilberstein and W Sheifert (1996), Storm surges. Report No. 33, WMO/TD No13 p.799
- Stolberg, F., Borysova, O., Mitrofanov, I., Barannik, V. and P. Eghtesadi (2006), Global International Waters Assessment Caspian Sea, GIWA Regional assessment 23 University of Kalmar on behalf of United Nations Environment Programme, 1651 pp 92